

نقش کارکردی رسانه‌های گروهی در گسترش حقوق بشر و برقراری صلح پایدار

امین نواختی مقدم

استادیار گروه حقوق دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز

چکیده

امروزه رسانه‌های گروهی مدرن نقش مهمی در ساختار نظام اجتماعی ایفاء می‌کنند. بین آزادی بیان و آزادی اطلاعات متاثر از معیارهای حقوق بشر، ارتباطی درونی و متقابل وجود دارد. جامعه آزاد و عرصه عمومی، فارغ از سلطه و رابطه بین الازدهانی و اقتاعی توانایی ایجاد و ابقای رسانه‌های گروهی آزاد را دارد که در واقع رکن اصلی حقوق بشر و معاهدات مربوط به آن می‌باشد. آزادی بیان لازمه تحقق حق‌های دیگر افراد است. بنابراین ارتباط عمیقی میان حقوق بشر و رسانه‌ها وجود دارد. حقوق بشر یکی از دستاوردهای اساسی جوامع مدرن برای دست‌یابی به صلح و امنیت بین‌المللی از طریق شناسایی و پذیرش حقوق برابر و آزادی انسان‌ها است. صلح بدون اطلاع‌رسانی آزاد و شناخت و آزادی بیان، چنانکه در منشور سازمان ملل و اسناد حقوق بشر ذکر شده است، محقق نمی‌شود. در جوامع مدرن، آزادی بیان، خود را در آزادی ارتباطات و آزادی رسانه‌های گروهی مجسم می‌سازد.

واژگان کلیدی: حقوق بشر؛ رسانه‌های جمعی؛ نسبت میان حقوق بشر و رسانه‌های جمعی؛ آزادی بیان؛ صلح پایدار.

اصطلاح حقوق بشر (Human Rights) مفهومی نسبتاً جدید است و تنها پس از جنگ جهانی دوم و تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ میلادی وارد عرصه گفتمان و نظام حقوق بین‌الملل و داخلی شده است. این مفهوم، جایگزین مفاهیم فلسفه سیاسی کلاسیک یعنی «حقوق مدنی» و «حقوق انسان» شد که قدمتی دیرینه‌تر دارند. امروزه حجم عظیمی از قواعد حقوق بشر با تلاش‌های سازمان ملل متحد، جزء تعهدات لازم‌الاجرا در عرصه بین‌المللی و جزء جدایی‌ناپذیر نظام حقوق بین‌الملل شده و دولت‌ها را در قبال تعهد به این قوانین و اجرای آن ملزم کرده است. فرآیند بین‌المللی شدن حقوق بشر با تصویب و لازم‌الاجرا شدن منشور ملل متحد (در ۲۶ ژوئن و ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵)، تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر (مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸) مجمع عمومی

سازمان ملل)، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ مجمع عمومی)، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سایر معاهدات متعدد جهانی - منطقه‌ای مورد پذیرش دولت‌ها محقق شده است. تمامی این فرآیندها در قرن بیستم و در دورانی اتفاق افتاده است که وسایل ارتباط جمعی مدرن و رسانه‌های گروهی فراگیر نیز گسترش یافته و ساختار نظام اجتماعی مدرن را تشکیل داده‌اند. ارتباط بین رسانه‌های گروهی مدرن و تحولات جاری در عرصه حقوق بشر و معاهدات حقوق بین‌الملل و ظهور، گسترش و تعمیق آن هدفی است که در این مقاله به اختصار بررسی خواهد شد.

بین آزادی بیان و آزادی اطلاعات متأثر از معیارهای حقوق بشر، ارتباط درونی و متقابل وجود دارد. آزادی بیان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که وسیله‌ای برای محقق ساختن دیگر حقوق افراد به شمار می‌رود. پیدایش مطبوعات و رسانه‌های ارتباطی آزاد موجب از بین رفتن سنت‌های جزمی و تأمل درباره خویشتن و گسترش «اراده اجتماعی» می‌شوند. اراده اجتماعی عبارت است از: «داوری جمعی درباره اهداف مطلوب و محاسبه آگاهانه در مورد وسایل نیل به آن هدف» و بر اساس این معیار عام، سوء استفاده از قدرت سیاسی و نقض حقوق بشر در معرض دید عمومی قرار می‌گیرد. فناوری‌های نوین ارتباطی فرصت‌های مناسبی برای مشارکت و گفت‌وگو در همه عرصه‌های گفتمان اجتماعی، سیاسی و فرهنگی فراهم آورده است تا اینکه آن‌را به عنوان ابزاری در اختیار برنامه‌ریزان دولتی با اهدافی خاص قلمداد کنیم. (Huesca, 2002: 9)

نقش رسانه‌های گروهی در جوامع مدرن تا جایی اهمیت دارد که به عقیده برخی از صاحب‌نظران حوزه رسانه حتی ظهور ایدئولوژی‌هایی همچون ناسیونالیسم وابسته به ظهور رسانه‌های گروهی بوده است. «آندرسون» معتقد است که مفهوم ناسیونالیسم وابسته به تصویری از جامعه است که برساخته رسانه‌های گروهی است. به نظر وی ناسیونالیسم به عنوان یک مفهوم، پیش از پیدایش رسانه‌های مکتوب اصلاً وجود نداشت ولی توانست توانایی خواندن و نوشتن به زبان مادری را به وجود آورد و خوانندگان را در مفهومی از زمان و مکان متراکم و حس اتحاد و یگانگی را به آنان القاد کند. (Anderson, 1991: 12)

حوزه رسانه به عنوان یکی از ساختارهای خرد اجتماعی توانایی بسیار مؤثری در شکل‌گیری

فرهنگ عمومی دارد. این حوزه خرد می‌تواند با بسیج و سازماندهی فعالان عرصه حقوق بشر و سایر موضوعات اجتماعی آنان را تقویت کرده و به جریانی در حوزه عمومی گسترده‌تر تبدیل کند. (Fraser, 1999 : 527)

سؤالات بسیاری در مورد نقش رسانه‌های گروهی در ارتقاء وضعیت حقوق بشر وجود دارد؛ از جمله اینکه فعالیت آزاد رسانه‌ها چگونه می‌تواند با بازتاب مسائل حیاتی و مهم سیاسی و اجتماعی در حوزه حقوق بشر، کارکرد فرهنگی خود را انجام دهد؟ رسانه‌ها چه فرصت‌ها و محدودیت‌هایی برای ایجاد اجماع گفتمان فرهنگی در بین آراء و عقاید متفاوت و گاه متضاد حقوق بشری دارند؟ رسانه‌ها تا چه اندازه می‌توانند به تعدیل شرایط و اصلاح رفتارهای مخالف با حقوق بشر در جوامع در حال توسعه یاری رسانند؟ سؤالات بسیار دیگری در مورد کارکرد رسانه‌ها در اجتماع، به ویژه در امر حقوق بشر وجود دارد که به اجمال به برخی از آنها در این مقاله پرداخته می‌شود. فرضیه اساسی این پژوهش این است که رسانه‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین کارآمدترین جلوه‌های حوزه عمومی در جوامع آزاد با ایفای نقش خود می‌توانند با افزایش آگاهی‌های عمومی، جامعه‌پذیری، ایجاد فضای انتقادی و نظارتی در داخل کشور و درگیر ساختن سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های مدافع حقوق بشر به پیشرفت و تقویت جایگاه حقوق بشر منجر شوند. رسانه‌ها نقش کلیدی در شکل‌گیری هویت انسان‌ها و آگاهی اجتماعی و فرهنگی آنان به عهده دارند.

تحول حقوق بین‌الملل و ابزارهای حمایتی

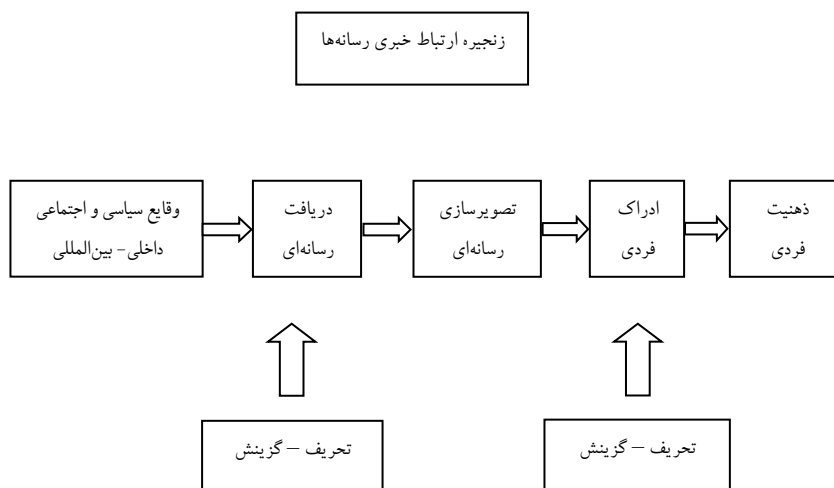
همان‌طور که گفته شد، تنها در دوران معاصر است که مسئله حقوق بشر به عاملی محوری در سیاست‌های بین‌المللی تبدیل شده و به عنوان یک بحث اساسی در سازمان‌های بین‌المللی و ملی مطرح می‌باشد. اما چنانکه می‌دانیم حدود نیم قرن پیش چنین رهیافت و نگرشی بر حقوق بشر حاکم نبود. حقوق بشر - از برخی استثنائات که بگذریم - قبل از جنگ جهانی دوم مسئله‌ای مورد پذیرش و مشروع در حیطه مسائل بین‌المللی نبود؛ بلکه جز حقوق انحصاری حاکمیت دولت‌ها محسوب می‌شد. (Donnelly, 1986 : 614)

پایان جنگ جهانی دوم، خط پایانی بر این نگرش بود. بد رفتاری و رفتارهای غیراخلاقی که در طی جنگ جهانی صورت گرفت بستر مناسبی را برای شکل‌گیری جنبش حقوق بشر بین‌المللی ایجاد کرد و نهایتاً در سال ۱۹۴۸ میلادی با تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر از سوی کشورهای عضو سازمان ملل (UDHR) به رژیم حقوقی بین‌المللی تبدیل شد. با این وجود، صرف تصویب و امضای چندین معاهده و قطعنامه و یا اعلامیه‌های متعدد مربوط به حقوق بشر که پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای در این زمینه محسوب می‌شوند، واقعیت تلخ این است که شکل‌گیری و انعقاد عهدنامه‌های حقوق بشر به تنهایی (قطعاً) ناکافی است. هر چند نباید از اهمیت این اسناد بین‌المللی غافل بود اما باید در نظر داشت که تمامی این اسناد نتوانسته‌اند به وضوح جهانی همیای زندگی در شرایط صلح و امنیت بسازند. حلقه مفقوده در کنار عواملی همچون: دستگاه‌های درون و بین حکومتی، سازمان‌های غیردولتی، فعالان و متخصصان حقوق بشری، حضور رسانه‌های گروهی است که موجب فعلیت یافتن اسناد مربوط به حقوق بشر می‌شود و به جلوگیری از وقوع خشونت‌ها و نقض حقوق انسانی منتهی می‌گردد. دولت‌ها به عنوان اولین ضابطان اجرا و تحقق اصول مربوط به اعلامیه حقوق بشر عموماً چندان موفق عمل نکرده‌اند. دو دلیل عمده را می‌توان برای عدم توفیق دولت‌ها در این خصوص ذکر کرد: حکومت‌ها یا قادر به انجام مسئولیت‌ها و تعهدات خود نبوده‌اند و یا مایل به انجام آن نبوده‌اند. برخی از دولت‌ها حقوق بشر را یا نادیده می‌گیرند و یا حتی از آن سوء تعبیر و سوء استفاده می‌کنند؛ چرا که برخلاف قدرت آنان بوده و رعایت موازین حقوق بشر موجب کاهش قدرت آنان خواهد شد. حتی برخی از قدرتمندان در صورت انجام این تعهدات یعنی پذیرش آزادی بیان، آزادی مجامع یا برگزاری انتخابات آزاد از قدرت کنار خواهند رفت. انکار حقوق بشر در برخی از کشورهای استبدادی مسئله‌ای بی‌دلیل و اتفاقی نیست، چرا که با حفظ قدرت آنها وابسته است. در برخی از کشورها نیز بحران‌های داخلی و نزاع‌های اجتماعی بین گروه‌های متخاصم علی‌رغم خواست دولت‌ها و وجود مقتضی، مانع مقفود نیست و از این رو امکان اجرای حقوق بشر منتفی می‌شود. به طور کلی، وجود این شرایط مانع اصلی در تحقق حقوق اجتماعی و سیاسی مردم می‌گردد. (Eide & Skogly, 1988 : 11)

می‌توان گفت ناتوانایی یا عدم اجرای حقوق بشر در برخی کشورها نتایج یکسانی در پی

دارد و آن نقض اساسی حقوق شهروندان در این جوامع است. اما در کنار دانستن عدم اراده و یا عدم پایبندی برخی دولت‌ها به اصول حقوق بشر، ضعف نهادهای بین دولتی و سازمان‌های غیردولتی، آژانس‌های سازمان ملل و همچنین رویه‌های قانونی لازم می‌توان گفت که فقدان نهادهای واسط در جامعه مدنی و وجود رسانه‌های گروهی قدرتمند است که ضربه اساسی را بر پیکره و چارچوب موازین حقوق بشر وارد می‌سازد و از یک سو روند جامعه‌پذیری و از سوی دیگر نقد قدرت مسلط را با اخلال مواجه می‌سازد. رسانه‌ها ابزارهای قدرتمندی برای شناسایی این حقوق مغفول واقع شده می‌باشند، به ویژه در جوامعی که ساخت قدرت به گونه‌ای است که اجازه دخالت مستقیم در حوزه سیاسی و اجتماعی را فراهم نمی‌سازد و تنها از طریق ابزار رسانه‌ای، فرهنگ‌سازی و نقد قدرت است که می‌توان به تضمین حداقلی حقوق بشر امیدوار بود. در مجموع باید گفت که ارتباط وثیقی میان حقوق بشر و رسانه‌های ارتباطی وجود دارد. ماهیت بسیار مهم یکی و قدرت بسیار زیاد دیگری (حقوق بشر و رسانه‌های گروهی) توجه بیشتری را به این مسئله مطالبه می‌کند. بر این اساس می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین دلایل ضعف فعالیت‌های حقوق بشری در جوامع گوناگون معاصر، عدم به کارگیری صحیح قدرت اجتماعی‌سازی رسانه‌های ارتباطی است. به همین دلیل باید استراتژی رسانه‌ای تبیین شود تا از قدرت و نفوذ همه جانبه وسایل ارتباطی به نحو مطلوبی استفاده کرد.

پوشش خبری رسانه‌ها و تصویرسازی اجتماعی حق



تأثیر بالقوه رسانه بر مسئله حقوق بشر را می‌توان در چندین حوزه بررسی کرد. گزارش‌های خبری اغلب اولین نشانگر وقوع رفتارهای ناقض حقوق بشر و از این رو ابزار غیررسمی برای ارائه اسنادی در مورد خشونت‌های صورت گرفته هستند. (Ezell, 1992: 88)

یکی از این نمونه‌ها استفاده سازمان عفو بین‌الملل از برنامه‌های رادیویی و گزارش‌های روزنامه‌ها برای تأیید اتهام‌های مربوطه به خشونت‌ها و شکنجه‌های صورت گرفته است. رسانه‌ها در موارد متعددی چنین گزارش‌هایی را با ارائه اسناد و حتی تصویر بازتاب جهانی داده‌اند که مورد توجه گسترده قرار گرفته است. مورد اخیر این امر، گزارش خبری از رفتارهای خشونت‌آمیز در زندان‌های اشغالگران آمریکایی به خصوص زندان ابوغریب در عراق است. جهان وقتی به این مسئله حساس شد که تصاویر آن در رسانه‌های مکتوب و تصویری به نمایش درآمد و باعث ایجاد نگرانی در سطح بین‌المللی شد. این گزارش‌ها موارد عینی نقض حقوق بشر را نشان می‌دهند. اگر چه بیشتر مردم از مفاد اعلامیه حقوق بشر اطلاع چندانی ندارند، اما این گزارش‌ها با تصویرسازی این موارد و ذکر موارد تخلف در واقع به نوعی نقش آموزشی ایفا می‌کنند. این امر نوعی کارگاه آموزشی است که مخاطبان و اعضای شرکت کننده آن کل جامعه جهانی‌اند. افکار عمومی در مقابل این رفتارها شکل می‌گیرند و به آن واکنش نشان می‌دهند و بدین ترتیب موجب تحریک قانون‌گذاران و تصمیم‌گیران سیاسی در مورد مسائل حقوق بشر و روابط خارجی خواهد شد. حمایت رسانه‌ها می‌تواند موجب برجستگی و تشریح موضوعات حقوق بشر در سطح جامعه شود. (Berry & Mc Chesney, 1988 : 72) بدون پشتوانه رسانه‌ای از موضوعات حقوق بشر، طرح این مباحث در مجالس قانون‌گذاری اغلب کشورها حاصلی نخواهد داشت. موفقیت این مسائل در گرو حمایت همه جانبه از آن در رسانه‌های گروهی است.

سازمان‌های غیردولتی هم در مرحله اول از گزارش‌های رسانه‌ای موارد نقض حقوق بشر بهره‌برداری می‌کنند و سپس به انتشار اطلاعات جزئی و دقیق‌تر این تخلفات اقدام می‌کنند. رسانه‌ها همچنین عدم موفقیت‌های سازمان‌های دولتی بین‌المللی (INGOs) در محافظت از حقوق بشر در برنامه‌های بین‌المللی را اصلاح می‌کنند. دولت‌ها منتفعان اصلی نشست‌های سازمان‌های دولتی بین‌المللی برگزار نشده‌اند که در آنها باید موضوعات حقوق بشر در دستور کار قرار

می‌گرفت. مسائل حقوق بشر در کشورهایی که رسانه‌ها از نقض حقوق بشر خبر داده‌اند، نباید مورد غفلت قرار گیرد و سرانجام اینکه گسترش شبکه‌های تلویزیونی خارجی (برنامه‌های خبری آنها) منجر به تحولاتی در عرصه سیاسی، به ویژه موجب بهبود حقوق بشر، خواهد شد. مشخص‌ترین مثال در این زمینه سقوط دولت‌های کمونیستی در کشورهای اقماری اتحاد جماهیر شوروی سابق است. ارتباط روشنی بین رسانه‌های گروهی (به خصوص تلویزیون) و وقایع سیاسی در این کشورها (اکراین و گرجستان) وجود دارد.

نظریه پردازان سه نقش را برای رسانه در نظر می‌گیرند: (۱) دیده‌بانی وقایع جهانی؛ (۲) تفسیر معنای این وقایع؛ (۳) جامعه‌پذیری افراد در محیط خود. این سه ویژگی به طور مشخص با کارکردهای رسانه در حوزه حقوق بشر مطابقت دارد. هر واقعه تنها در شرایطی حائز اهمیت می‌شود که گزارش‌های خبری بر اقدامات سیاسی تأثیرگذار باشد، گر چه نمی‌توان با دقت میزان این نفوذ را سنجید. «لیسنکی» چنین برآوردی دارد: «رسانه‌ها تأثیر چشمگیر و دقیقی بر مسائل سیاسی و سیاست‌گذاری دارند.» (linsky, 1986 : 203)

اغلب کمک‌های بشردوستانه و تصویب آن در مجالس قانون‌گذاری با حمایت رسانه‌ها انجام می‌گیرد؛ یعنی رسانه‌ها با فضا سازی سیاسی و ترغیب اجتماع و قانون‌گذاران در تصویب کمک‌های بشردوستانه مؤثر واقع می‌شوند. توجه جامعه به وضعیت کودکان فلسطینی در تهاجم اسرائیل به غزه در سال ۱۳۸۸ خورشیدی زمانی شدت گرفت که رسانه‌های گروهی از هدف قرار گرفتن مدارس در نوار غزه گزارش‌های مفصلی ارائه دادند. اسرائیل با شناخت از تأثیر اخبار و گزارش‌های جهانی در مورد نقض حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی است که اغلب از ورود خبرنگاران به این مناطق و تهیه گزارش از رفتارهای غیرانسانی اسرائیلی‌ها جلوگیری می‌کند، چنانچه در تهاجم سال ۱۳۸۷ نیز از ورود بسیاری از خبرنگاران جلوگیری کرد. این گزارش‌ها می‌توانند زنجیره‌ای از رسانه‌ها، فلسطینی‌ها، سایر جهانیان و بینندگان تلویزیونی ایجاد کنند و رفتار خاصی را در سطح جهان موجب شوند.

انتقال پیام‌های مربوط به هنجارهای حقوق بشر توسط رسانه‌ها به اجتماعی‌سازی اشخاص برای پذیرش معیارهای مورد توافق کمک فراوانی می‌کند. این کارکرد شبیه همان نقش رسانه‌ها

در مسائل داخلی است که خبرنگاران در بر ساختن هویت ملی، اجتماع و واقعی جلوه دادن مفاهیم ذهنی ایفا می‌کنند. تفسیر ارزش‌های بین‌المللی، مردم و دولت‌ها را از این هنجارها آگاه می‌سازد. یکی از وظایف رسانه‌ها در این خصوص آگاه‌سازی مردم از امکانات موجود برای رشد و حفظ حقوق بشر است. (United Nation, 1989: 16)

در بحث از ارتباط رسانه و سیاست نباید از تأثیر مطبوعات بر فرآیندهای سیاسی غافل ماند. جدای از نقش دیده‌بانان حقوق بشر، مطبوعات هم مشارکت‌کننده مهم در فرآیندهای سیاسی است و هم مجرای برای فعالیت‌های بیشتر سیاسی. مطبوعات در عرصه مشارکتی نقش فعال در فرآیندهای سیاسی، از جمله در انتقال اطلاعات از حکومت‌ها به یکدیگر، ایفا می‌کنند. سیاستگذاران نیز برای برآورد و ارزیابی نظریات جدید و حتی نظرات خودشان به مطبوعات رجوع می‌کنند. روزنامه‌ها ارزیابی‌ها و تفسیرهای خود از تصمیمات سیاسی دولت‌ها و همچنین انتقادات خود را عموماً در ستون سردبیر و ستون‌های خبری و تحلیلی عنوان می‌کنند.

رسانه‌ها بازیگران عرصه سیاسی و حقوق بشر

با فهم و شناسایی نقش وسایل ارتباطی در مسائل حقوق بشر بین‌المللی، تأثیر آموزشی آن بر مردم، نظارت بر حکومت‌ها و همراهی سازمان‌های غیردولتی در حوزه وظایف‌شان به اهمیت ذاتی وسایل ارتباط جمعی به مثابه بازیگران عرصه سیاسی می‌پردازیم. این تأثیر را می‌توان در گزارش‌های مربوط به حقوق بشر ملاحظه کرد. البته رسانه‌ها در عرض یکدیگر و در زنجیره‌ای از خبرها و گزارش‌ها که حاوی مسائل مربوط به حقوق بشر است تأثیرگذار هستند. عوامل مؤثر بر پوشش رسانه‌ای را باید به منظور فهم محتوای آن در نظر بگیریم. این عوامل و ارزش‌ها اولین مرحله در توالی آغاز یک واقعه - از تصمیم‌سازی تا گزارش آن واقعه و اتمام آن با خوانش خوانندگان و در نهایت دریافت - را شامل می‌شود. شنونده خبر یا به این دریافت بسنده می‌کند و یا آن‌را در صورت نیاز با وقایع رسانه‌ای که پیشتر مطرح شده، ارتباط می‌دهد.

گزینش خبر مبتنی بر عواملی است که بر حسب ارزش‌های خبری و محدودیت تعریف می‌شود. ارزش خبری همان عقاید مخاطبان است که ارزشمندی یک خبر یا یک واقعه را تعیین

می‌کند. اما محدودیت‌های تولید مضامینی‌اند که گزارش یک خبر یا عدم گزارش آن را معین می‌سازند. محدودیت‌های دیگر از جمله اقتصادی بودن فعالیت یک بنگاه خبری و واقعیت‌های سیاسی موجود در برابر خبرنگاران نیز وجود دارد.

برخی از وجوه مشترک در تولید یک خبر در جوامع غربی را می‌توان به این ترتیب بیان کرد. یکی از شایع‌ترین و مهم‌ترین این ویژگی‌ها انتشار اخبار صرفاً در مورد کشورها و جوامع نخبه (جوامع غربی) است، البته این رفتار منطق مشخصی دارد. وقایع جوامع نخبه تأثیر بیشتری بر وقایع خبری کشورهای دریافت‌کننده دارد. اخبار خارجی معمولاً بر ملاحظات دیپلماتیک یا مصالح سیاسی دولت‌ها مبتنی‌اند. (Shoemaker & Daniel, 1991: 792)

از لحاظ شاخص‌های خبری، نزاع‌ها و یا بحران‌ها در دو سطح دیپلماتیک و نظامی و فجایع طبیعی دارای ارزش‌اند. البته باید تغییر و تحولات سیاسی صلح‌آمیز و تفوق سیاست‌های دیکتاتوری را نیز به این فهرست اضافه کرد. وقایع و افراد نابهنجار اجتماعی نیز جذابیت خبری بالایی دارند. (Ibid:783)

کارکرد رسانه‌ها در انتشار گزارش‌های وقایع ضد حقوق بشری

گرچه انتشار اخبار مربوط به نقض حقوق بشر برای تسکین آلام ناشی از این فجایع می‌تواند مفید واقع شود، اما برخورد جدی جامعه جهانی با این مسئله مستلزم این است که رسانه‌ها صرفاً بازتاب‌دهنده و پوشش‌دهنده این رفتارها و جنایت‌های ضد حقوق بشری نباشند؛ بلکه چون ابزار کارآمد مدافع حقوق بشر عمل نمایند. گزارش و انتشار این اخبار در واقعیت دفاع از حقوق بشر است، لذا استقرار صلح پایدار و فرهنگ صلح در عرصه اجتماعی و جهانی و احترام به مفاد حقوق بشر نیازمند توجه بیشتر به وظایف و کارکردهای رسانه‌ها و دارا بودن نقشی فراتر از «پنجره‌ای رو به جهان» است. وسایل ارتباط جمعی نقشی فراتر از ناظران و گزارشگران وقایع دارند. شناخت توانایی‌های رسانه موجب مسئولیتی فراتر از ذکر وقایع روزمره است. مسئولیت دفاع از حقوق بشر سه کارکرد را برای رسانه‌ها در کنار انتشار و گزارش تخلفات صورت گرفته ایجاد می‌کند؛ کارکرد اول: بهبود حقوق بشر مستلزم فعالیت‌های گسترده خبری و پرداختن به جزئیات امر است.

رسانه‌ها در راستای اطلاع‌رسانی مفید باید به ارائه اطلاعات پیش زمینه‌ای مکفی در مسائل حقوق بشر بپردازند. با این اقدام و با توصیف زمینه تاریخی وقایع مستحدثه، تحلیل عمیق‌تری از شرایط در اختیار بیننده و شنونده قرار می‌گیرد. این کارکرد رسانه صرفاً زمانی محقق می‌شود که اطلاعات جامع و دقیقی در اختیار مخاطبان خود قرار دهد و بدین ترتیب موجب تنویر افکار عمومی و روشنگری شده و نهایتاً حمایت تصمیم‌گیرندگان سیاسی را با اتخاذ سیاست‌های آگاهانه موجب می‌شود. از سوی دیگر حمایت از حقوق بشر مستلزم ارزیابی و برآورد رسانه‌های گروهی از سیاست‌ها و برنامه‌های متفاوتی است که در زمینه حقوق بشر اجرا می‌شود. می‌دانیم که معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به حقوق بشر اگر دارای طرح اجرایی خاصی نباشد به خودی خود دارای ارزش نیستند و چندان امیدی به پایبندی دولت‌ها به آن نخواهد بود. تا زمانی که برنامه نظارتی و بازبینی تحقق اهداف و پیشرفت‌ها وجود داشته باشد، برنامه اجرایی چندان تأثیرگذار نخواهد بود. وسایل ارتباط جمعی را می‌توان یکی از ارکان بسیار مهم و جدا نشدنی این نظام ارزیابی قلمداد کرد؛ چرا که بدون نظارت مؤثر، با بهره‌برداری از تکنولوژی‌های رسانه‌ای، دولت‌هایی که خود را نسبی‌گرای فرهنگی می‌دانند و یا بر مفهوم حاکمیت ملی پافشاری می‌کنند، آشکارا از معاهدات بین‌المللی در خصوص حقوق بشر سرپیچی خواهند کرد.

سومین ابزار حمایتی رسانه از حقوق بشر، کارکرد آموزشی آنهاست. کارآیی و مؤثر بودن هر نظام حقوقی، در درجه اول بستگی به این دارد که قواعد نظام از سوی تابعان آن مورد پذیرش قرار گیرد.^۱ اگر تابعان حقوق، قواعد وضع شده را منطقی، عادلانه و ضروری (لازم) بدانند، به راحتی به اجرای آن تن می‌دهند و حتی در موارد تخلف، پذیرای ضمانت‌اجرای آن خواهند بود. بنابراین فهم توجیحات اخلاقی و عقلانی که مبنای قواعد را تشکیل می‌دهد، وفاداری به قواعد و تبعیت از آنها را افزایش می‌دهد. واقعیت دیگری هم در صحنه حقوق بین‌الملل، بر نکته فوق تأکید بیشتری می‌نهد و آن اینکه حقوق بین‌الملل - برخلاف حقوق داخلی - در جامعه‌ای از دولت‌ها به اجرا در می‌آید که فاقد سلسله مراتب اقتدار است و نظام سازمان‌یافته‌ای از مکانیسم‌های رسمی ندارد تا به اجرای قواعد نظام اقدام نماید. از سوی دیگر مفهوم «اجرا» هیچ‌گاه صرفاً به معنای استفاده از قوه قهریه و انتظامی نیست؛ بلکه شامل تمام اقداماتی است که هدف آن ترغیب احترام [به قواعد حقوقی است]

و برای تأمین تبعیت از قواعد، صحیح و مناسب می‌باشد.

در مورد حقوق بشر، ایجاد «فرهنگ اجرا» و به عبارتی پدیدآوردن «ذهنیت مناسب» در بیشتر افراد، اولین گام در اجرای آن می‌باشد؛ چرا که اجرای قاعده همانند نقض آن ابتدا در اندیشه مجریان یا متخلفان نقش می‌بندد و آنگاه صورت واقعیت به خود می‌گیرد. با توجه به اینکه رسانه‌ها از توانایی‌های گسترده‌ای برخوردارند، صرفاً نمی‌توان به وظیفه اطلاع‌رسانی آنها از اتفاقات روزمره در جهان بسنده کرد؛ بلکه باید رسانه‌ها قدرت بالقوه و نفوذ خود را به درستی اجرا کنند. رسانه‌ها باید نقش وسیله آموزشی را در مسئله حقوق بشر ایفا کنند. نظریات جامعه‌شناختی، آموزش را مبنای تغییرات اجتماعی می‌دانند و از این‌رو این فرآیند نقش اساسی را در جامعه‌پذیری و نهادینه‌سازی حقوق بشر دارد.

در مقابل پدیده‌های زشتی همچون عدم تساهل، خشونت و محروم‌سازی از حقوق بایستی فرآیندهای سازنده نیز در مدت طولانی و با قوت استقرار یابد تا معانی، باورها، ارزش‌ها و انگیزه‌های منسجم و مشترکی ایجاد شوند. با در نظر گرفتن قدرت عظیم جامعه‌پذیری رسانه‌ها، نقش مهم رسانه‌ها در تثبیت فرآیند سازنده و مستمر آموزش حقوق بشر کاملاً قطعی و پذیرفتنی است.

موانع و محدودیت‌های فرا روی عملکرد رسانه‌ها در حوزه حقوق بشر

با عنایت به نفوذ قابل ملاحظه رسانه‌ها در سطح جامعه، باید موانع کارکرد صحیح و کامل رسانه‌ها نیز بررسی شود تا تمامی ظرفیت‌های بالقوه این تکنولوژی فرهنگی - اجتماعی قابلیت اجرا پیدا کند. اگر رسانه‌های گروهی تاکنون نتوانسته‌اند از عهده وظایف خود در حمایت از حقوق بشر برآیند؛ بایستی دلایل و موانع آن‌را بررسی کرد و با شناخت این مواضع به تقویت و تحکیم عملکرد رسانه‌ها پرداخت. امروزه رسانه‌های الکترونیک و چاپی بخش مهمی از جهان ما را تشکیل می‌دهند، با این ابزار ما قادر به شناخت وقایع احتمالی جهان اطراف خود می‌شویم و با بازنمایی رسانه‌ها ما فهم و بینش خود را اصلاح می‌کنیم. این موانع برخی ساختاری و برخی ذهنی و فردی‌اند که منجر به کارکرد نادرست سیستم رسانه‌ای شده و آن‌را از اهداف کارکردی خود دور می‌سازند.

۱- ساختار سازمانی (بوروکراتیک)

یکی از عوامل مهم در کارکرد رسانه‌ها، ماهیت نهادی رسانه‌ها می‌باشد. مدیریت در حوزه رسانه در مقایسه با دیگر سازمان‌های بزرگ بر مبنای سلسله مراتب و ساختار بوروکراتیک طراحی نشده است. در غیاب این ساختار به ناچار تقسیم کار صورت گرفته منجر به ایجاد نخبگان قدرتمندی به عنوان تصمیم‌گیرندگان اصلی خواهد شد و این نخبگان منافع خود را اولویت داده و منافع جمع را تابع آن خواهند کرد. این ساختار قدرتمند تأمین منافع نخبگان در نهایت سازمان را در مسیری قرار خواهد داد که منجر به تسلط همه جانبه این افراد شده و به قول میخلز تبدیل به قانون آهنین الیگارش می‌شود.

اگر این نظام سازمانی بر بخش عمده‌ای از تشکیلات رسانه‌های گروهی بین‌المللی حاکم باشد، برای اغلب افرادی که صادقانه در این رسانه‌ها در راستای «منافع همگانی» فعالیت می‌کنند، مشکلات و موانع اساسی ایجاد خواهد شد. در صورتی که این افراد بخواهند از جهات اساسی حقوق بشر دفاع کنند اما با خواسته‌ها، اهداف و منافع سردبیران، ناشران و یا تولیدکنندگان در تعارض باشد، از عملکرد خود باز خواهند ماند. حتی می‌توان پذیرفت که عموماً متولیان و نخبگان رسانه‌ها چندان توجهی به مسائل حقوق بشر ندارند. بنابراین پذیرفتنی است که انگیزه‌های حمایت از پیشبرد حقوق بشر از طریق رسانه‌ها غالباً نقشی ثانویه دارند و گردانندگان وسایل ارتباط جمعی در ابتدا به افزایش منافع خود اولویت می‌دهند. از سوی دیگر ساختار گسترده برخی از رسانه‌ها نیز مانعی در جهت فعالیت حقوق بشری آنهاست. چه تأثیر نخبگان و چه ساختار گسترده رسانه‌ها، هر دو عملکرد رسانه‌ها را در حوزه حقوق بشر با مشکل مواجه می‌سازند. در جوامع امروزی فعالیت هر نهاد اقتصادی به سودآوری آن منوط است و اگر گزارش‌های حقوق بشری رسانه‌ها نتوانند علائق و منافع مخاطبان را برانگیزانند، مسائل حقوق بشر مورد اقبال نخواهد بود.

۲- محدودیت منابع مالی

عامل دومی که خبر رسانه‌ای را محدود می‌کند، عامل مالی است. عوامل اقتصادی، تأثیر عظیمی بر توجه به نوع خبرهای رسانه‌ای دارد. این مسئله در بحران‌های اقتصادی و به ویژه در

بحران اقتصادی اخیر جهان نمود عینی بیشتری پیدا کرده و انتشار اخبار بسیاری را متأثر ساخته است. در این صورت سردبیران و مالکان رسانه‌ها تلاش می‌کنند خبرهایی را تولید و گزارش کنند که هزینه‌های کمتری برای آنها داشته باشد تا سودآوری معقول و همیشگی خود را حفظ کنند. سودآوری در تولید خبر همچون فیلتری عمل می‌کند و ممکن است از گزارش بسیاری از خبرهای مهم حقوق بشری جلوگیری کند. (Project censored:2005) مشکلات مالی می‌تواند بر گزارش‌های فوری و زنده خبری رسانه‌های تصویری بسیار مؤثرتر باشد و موجب دلسردی در ارائه گزارش‌های جامع‌نگر شود. (Coleman & tomka1, 1998: 9)

کاهش و تضعیف گزارش‌های تحقیقی در هر رسانه‌ای به کم‌رنگ شدن حمایت از حقوق بشر خواهد انجامید. چنانکه قبلاً اشاره شد، برای دفاع مؤثر و کامل از حقوق بشر، گزارش‌های خبری بایستی با جزئیات دقیق تهیه و ارائه شوند تا مخاطب بتواند تحلیل عمیق‌تری از گزارش وضعیت حقوق بشر انجام دهد و رخداد یا مسئله را در بستر تاریخی خاص خود درک کند. تنها در این صورت است که مخاطبان عام یا تصمیم‌گیرندگان بانفوذ در موقعیتی قرار می‌گیرند که درک عمیق و بینش روشنی از مسائل حقوق بشر کسب کنند.

۳- مشکلات سخت افزاری

با وجود توسعه بسیار چشمگیری که در تکنولوژی‌های رسانه‌ای صورت گرفته و تحولی اساسی را در زمینه ارتباطات و انتقال اطلاعات به وجود آورده است، صحبت از اینکه تکنولوژی خود عامل محدودیت باشد قابل پذیرش به نظر نمی‌رسد، اما می‌تواند برای پیشبرد اهداف حقوق بشری مشکل آفرین باشد. «هارولد اینس» از متخصصان امر رسانه عنوان می‌کند که هر واسطه ارتباطی مبانی خاصی برای ترجیح برخی از انواع اطلاعات دارد. «نیل پستمن» نیز این چنین می‌گوید: «تلویزیون به دلیل ماهیت ارتباطی‌اش که موجب تسلط بر دیگر انواع وسایل ارتباطی می‌شود، مطرح شدن اخباری خاص و نادیده گرفته شدن برخی دیگر را تعیین می‌کند.» (Project censored, opcit) در کنار این دلایل کاملاً قابل قبول، عوامل دیگری هم وجود دارند که باعث می‌شوند تا تکنولوژی همچون وسیله پالایش (فیلترینگ) اخبار عمل کند. برای مثال در مورد تلویزیون آنچه نادیدنی

است طبعاً قابلیت خبری هم ندارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که عموماً اخباری از تلویزیون پخش می‌شوند که عنصر تصویری در آن برجسته‌تر باشد تا اخباری که از این تصاویر بی‌بهره‌اند (Ibid). اگر دلایل فوق مورد پذیرش قرار گیرند کاملاً قابل درک به نظر می‌رسد که تکنولوژی محدود در مسائل حقوق بشر بیشتر کارآیی دارند که متأسفانه با عدم توجه اغلب رسانه‌های جمعی مواجه می‌شوند و این امر هم به نوبه خود منجر به فراموشی این مسئله خطیر در عرصه بین‌المللی می‌شود. در بسیاری از کشورهایی که حقوق بشر رعایت نمی‌شود، متأسفانه رسانه‌ها و تکنولوژی‌های رسانه‌ای قدرتمندی وجود ندارد که بتوانند نقض آشکار حقوق بشر را پوشش خبری دهند و آن‌را مستند سازند. این کمبودها و محدودیت‌ها را بیشتر در کشورهای عقب مانده، به ویژه کشورهای آفریقایی و یا حتی در کشورهایی که به خاطر جنگ زیرساخت‌های ارتباطی خود را از دست داده‌اند، بیشتر مشاهده می‌کنیم. دلیل اینکه آمریکا در تهاجم همه جانبه و وحشیانه خود به عراق چندان با مخالفت سازمان‌های مدافع حقوق بشر مواجه نشد، شاید این بود که طی جنگ گسترده در عراق رسانه‌ها به طور کلی نابود شده بودند و رسانه‌های غربی هم به دلایل سیاسی کاملاً یک‌جانبه و سانسور شده با مسائل حقوق بشری برخورد می‌کردند. واقعیت این است که فجایع حقوق بشری بیشتر موارد ناگفته باقی می‌مانند و یا حذف و طرد می‌شود؛ چرا که کسی نیست تا به دنبال پیگیری واقعیت امر برآید. رشد تکنولوژیک رسانه‌ها به تنهایی نمی‌تواند مفید فایده باشد، خبرگزاری پژوهش‌گرانه نیازمند خبرنگاران محقق نیز هست.

۴- دخالت در اخبار رسانه‌ها از سوی دولت‌های استبدادی

در کشورهای غیردموکراتیک رسانه‌ها و گزارشی‌های خبری در تسلط دولت‌ها قرار دارد و این دولت‌ها هم که در نقض حقوق بشر حد و مرزی برای خود قائل نیستند با دخالت در اخبار و ارائه اطلاعات غلط، جریان اطلاع‌رسانی صحیح و کارکرد اساسی رسانه‌ها را به کلی مختل می‌سازند. در واقع در این نوع رژیم‌های سیاسی، رسانه‌ها جزء دستگاه رسمی تبلیغی دولت‌ها هستند و از خود هویت مستقل و خودمختاری ندارند. بنابراین نقض حقوق بشر در این کشورها چندان منعکس نمی‌شود و با توجه به محدودیت‌هایی که قبلاً برای رسانه‌ها ذکر شد، بازتاب جهانی

نیز نمی‌یابند. در این دولت‌ها، ابزارهای ارتباطی به مثابه وسیله‌ای برای ایجاد ترس و تنفر و گسترش نزاع‌های قومی و گروهی استفاده می‌شود. رسانه‌های جمعی در این کشورها بیشتر در راستای توجیه سیاست خارجی و تقویت موقعیت نخبگان داخلی به کار گرفته می‌شود. به عنوان مثال در دوران تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی، حاکمان سفید پوست بر تمام رسانه‌ها تسلط داشتند و همه مخالفان را تروریست و خائن می‌نامیدند. این وضعیت منجر به تقویت حکومت و سلطه سفید پوستان می‌شد و بر خشونت و استبداد نظام سرپوش می‌گذاشت. در یوگسلاوی سابق نیز رژیم بلگراد از تلویزیون و رادیو دولتی برای تقویت و گسترش شوونیسم قومی در جنگ بهره‌برداری می‌کرد. بنابراین رسانه‌های محلی از سوی کسانی که در قدرت هستند برای خاموش نگه داشتن مخالفان استفاده می‌شود. این وضعیت باعث می‌شود که رسانه‌ها در این کشورها از وظایف اصلی و ذاتی خود دور بوده و نتوانند در مسئله حقوق بشر کارکرد ذاتی خود را ایفا کنند.

۵- رسانه‌های گروهی و نقش آن در صلح جهانی

قدمت صلح به درازای تاریخ بشر است. از آن زمانی که انسان جنگ را شناخت به اهمیت صلح نیز پی برد و تلاش کرد با تأسیس نهادهای اجتماعی و تدوین قوانین و معاهدات از آن حمایت کند. با این وجود، در تاریخ جهان ما همواره شاهد جنگ و منازعه و ویرانی‌های وحشتناک بوده‌ایم. طی قرون جدید انسان با شناخت مفهوم پیشرفت به ناپود کنندگی جنگ بیشتر پی برد و تلاش کرد تا با حائل قرار دادن قوانین در میان انسان‌ها و استقرار جامعه مدنی از آن جلوگیری کند و یا به حداقل ممکن برساند. معاهده مربوط به حقوق بشر یکی از این نهادهای قانونی مدرن است که برای تحکیم صلح در جهان به وجود آمده است. حقوق بشر یکی از دستاوردهای اساسی جوامع مدرن برای پاسداشت صلح و امنیت بین‌المللی از طریق شناسایی و پذیرش حقوق برابر و آزادی انسان‌ها است. حقوق بشر، حداقل در حوزه نظری، با خصوصی تلقی کردن این حقوق و آزادی انسان‌ها بر علیه جنایت علیه بشریت و نقض حقوق اساسی بشر اعلام جرم می‌کند. رسانه‌های گروهی قدرتمند داخلی و بین‌المللی این اعلام جرم را با تنویر افکار عمومی و انعکاس در سطح جامعه به اجرا می‌گذارند. صلح بدون اطلاع‌رسانی آزاد و شناخت و آزادی بیان چنانکه در منشور

سازمان ملل و اسناد حقوق بشر ذکر شده است محقق نمی‌شود. در جوامع مدرن، آزادی بیان خود را در آزادی ارتباطات و آزادی رسانه‌های گروهی مجسم می‌سازد. (ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۰ اعلامیه اروپایی حقوق بشر)

صلح مستلزم تلاش مشترک انسان‌های زیادی است. بر این اساس، انسان‌ها باید قواعد رفتاری مشترکی را پذیرفته و به اصل اساسی حقوق بشر معتقد باشند. از سوی دیگر کنش جمعی مستلزم ارتباطات اجتماعی است که از طریق رسانه‌های گروهی مقدور می‌شود. بدون رسانه‌ها هیچ اقدام جمعی در جوامع مدرن محقق نمی‌شود. همچنین بسیاری از جنگ‌ها به دلیل عدم آگاهی و شناخت کامل جوامع از یکدیگر صورت می‌گیرد که مشخصاً نقش آگاهی‌سازی رسانه‌ها بایستی مورد تأیید قرار گیرد. «هانس مورگنتا» جنگ ویتنام را بر مبنای وجود اطلاعات غلط و عدم شناخت تاریخ جنوب شرقی آسیا می‌داند (Morgenthau, 1965: 25).

«موشیمر» نیز جنگ عراق را به دلایل عدم اطلاعات درست و قضاوت نادرست در مورد تهدید تروریستی و توانایی‌های عراق می‌داند. مدافعان صلح جهانی جنگ عراق را فرصتی برای تجدید قوای تروریست‌های افراطی می‌دانند که موجب خشونت‌های بیشتر تروریستی و نقض حقوق بشر در این دوران شد. (Mearsheimer & Walt, 1998: 50) نتیجه‌ای که از این جنگ‌ها حاصل شده است این است که آسیب‌دیدگان این جنگ‌ها بیشتر افراد غیرنظامی‌اند. هشتاد درصد تلفات انسانی این جنگ‌ها را شهروندان عادی تشکیل داده‌اند که نقض اساسی حقوق بشر به حساب می‌آید. (Cortright, 2008: 5) بنابراین حمایت از حقوق بشر عنصر ضروری استراتژی صلح جهانی است. مدافعان حقوق بشر و صلح جهانی عرصه مشترکی برای فعالیت دارند و آن به کارگیری نیروی گسترده رسانه‌های گروهی است. صلح و حقوق توأمانند، لازمه صلح احترام به حقوق است و احترام به حقوق، کاری است آموزشی و تبلیغی که رسانه نقش اول آن را بازی می‌کند. آزادی مدنی، دموکراسی و حقوق بشر پیش شرط یک صلح پایدار میان انسان‌ها است (Ibid: 37). آنان که ترس از رژیم تمامیت‌خواه نازی را تجربه کرده بودند در کنفرانس سانفرانسیسکو شدیداً به دنبال گنجاندن مقررات مربوط به حقوق بشر در منشور سازمان ملل بودند. به نظر آنان حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین جزء استلزامات ضروری صلح، امنیت و عدالت در جهان است. بنابراین مبنای

فکری و فلسفی سازمان ملل در واقع بر این اساس متکی است که حقوق بشر لازمه صلح دائمی است. (Goodrich, 1959: 244)

امروزه نیز جنبش‌های صلح طلب بر دفاع همزمان از دموکراسی، آزادی اطلاعات، آزادی بیان و حقوق بشر تأکید دارند. به نظر آنان تنها راه جلوگیری از خشونت و ترور در سطح جهان پیوند میان آزادی رسانه‌ها و حمایت از حقوق بشر است. به نظر «هاول» صلح و آزادی بیان دو امر تفکیک ناپذیراند. صلح پایدار و خلع سلاح تنها در جوامع آزاد قابل حصول است. دفاع از حقوق بشر باید در قلب همه جنبش‌های صلح طلب قرار گیرد. (Havel, 1985: 30) بدون یک صلح واقعی داخلی، هیچ ضمانتی برای صلح بیرونی وجود ندارد. دولتی که خواست و حقوق شهروندان خود را نادیده می‌گیرد، هیچ ضمانتی وجود ندارد که به اراده و حقوق دیگر انسان‌ها، ملت‌ها و دولت‌ها احترام بگذارد. احترام به حقوق بشر شرط بنیادین و ضمانت صرف و اصیل صلح حقیقی است. در چنین جوامعی رسانه‌ها نقش مهمی ایفا می‌کنند. دولت‌هایی که به حقوق بشر احترام نمی‌گذارند، بر اساس تاکتیک پیشنهادی گاندی مقابله می‌شوند. گاندی مفهوم (shanty sena) به معنای «ارتش صلح» را در مقابل حکومت‌های استبدادی مطرح ساخت که در آن روش‌های ضد خشونت ترویج می‌شود. رسانه‌های گروهی یکی از نهادهای اجتماعی است که می‌تواند برای استقرار صلح از راه‌های غیر خشونت‌آمیز به مبارزه منفی بپردازد و در مقابل دولت‌های مخالف حقوق بشر نقش کارآمد و ماندگاری ایفا کند.

یادداشت‌ها

۱. یونسکو: «از آنجا که جنگ‌ها در اندیشه انسان‌ها آغاز می‌شوند، پس باید دفاع از صلح نیز در اذهان آنان شکل گیرد».

منابع

- میخلز، رابرت، احزاب سیاسی، ترجمه حسن پویان، نشر چاپخش، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۸.
- Anderson, Benedict. *Imagined Communities : efections On The Origin And Spread Of Nationalism*, New York, verso, 1991.
- Berry, Victoria and Allan Mc Chesney. *Human Rights And Foreign Policy Making*, In Roberd Matthews, *Human Rights In Canadian Foreign Policy*, Kingston: McGill-Queen University Press, 1988.

- Coleman, John A and miklos tomka. *Mass Media* ,London, scm press, 1998.
- Cortright, Dvid. *Peace, A History of Movments and Ideas*, Cambridge, Cambridge university press, 2008.
- Donnelly, Jack. *International Human Right : A Regime Analysis*, International Organization, V .40,1986.
- Eide ,Asbjorn And Sigrun Skogly (Eds). *Human Rights And The Media*, Norwegian Institute Of Human Rights Publication, Oslo, 1988.
- Ezell ,Walter K. *News Paper Responses to Report of Atrocities, in Helen Fein,ed. Genocide Watch*, New Haven: Yale University Press,1992.
- Fraser ,Nancy, «*Rethinking the public sphere :a Contribution to the critique of actually existing democracy*» in Simon During , ed. *The Cultural Studies Reader*, Second ED. New York, Routledge, 1999.
- Goodrich, Leland M. *The United Nations*, Newyork, Thomas crowell,1959.
- Havel ,Vaclav, «*peace : The view from Prague*», New York, Review of books 32, no.18 (November) 1985.
- Huesca ,Robert. «*participatory approaches to communication for development*», in William B. Gudykunst and Bella Mody (eds). *Handbook of international and inter cultural communication*, Thousand Oaks CA: Sage, 2002.
- Larson, James f. *Television is window on the world: international affairs coverage on the u.s networks*, norwood,n.j, ablex publishing,1984.
- Linsky, Martin. *impact: how the press affects federal policy making*, new York :Norton and company,1986.
- Mearsheimer, John j and Stephen M Walt. «*an unnecessary war*», Foreign policy, no.134 (January-February)1998.
- Morgenthau, Hans j. *we are Deluding ourselves in Vietnam*, the new York times magazine, 18 april 1965.
- Project censored, <http://cc6.com.sfu.ca/economics> march 28, 2005.
- Shoemaker ,Pamela and Lucig H Danielian. «*Deviant Acts, Risks Business and u.s. Interests :the news worthiness of world events*», Journalism Quarterly, no. 68, winter 1991.
- United Nation: Center For Human Right, «*World Public Information Campaign For Human Rights*», Human Rights Fact Sheet, No.8, Geneva, Center For Human Rights,1989.